

رهبران کشورها برای پیشبرد صلح تلاش می‌کردند و حتی توافقاتی در راستای آن امضا می‌کردند. اما از این جا تا صلح واقعی، یعنی صلح بین ملت‌ها و سرزمین‌ها راه طولانی و مشکلات بسیاریند. تصمیم گرفتم با تمام توان به پیشبرد مناسبات اقتصادی و تجاری در منطقه برای تقویت صلح ادامه بدهم. طرح ایجاد بخش بین‌المللی شرکت توسعه زمین را طراحی کردم و آهارون شارف، از مقامات ارشد سابق موساد را به‌عنوان ریاست آن قرار دادم که سال‌های زیادی در آنجا مسئول روابط خارجی بود. این مرد فردی دلسوز، با تجربه در موضوعات بین‌المللی و دارای بینش و فداکاری بی‌پایان بود. با پایان دوران خدمت آهارون در موساد قرار شد به بخش امور خارجی منتقل شده و به‌عنوان سفیر سیار از جانب شیمن پرز خدمت کند اما او متقاعد شد که به ما بپیوندد. در این راستا چند طرح اقتصادی در جهت صلح ارائه کردم. این فعالیت‌ها منجر به ملاقات من با یکی از تأثیرگذارترین شخصیت‌های دربار سلطنتی عربستان سعودی شد که آینده‌اش هنوز آشکار نبود.

«امید و شکست» خاطرات سال‌ها فعالیت اطلاعاتی – امنیتی یعقوب نیمرووی برای اسرائیل – ۱۰۴

تهیه گاز از عربستان



ملاقات با این مقام ارشد سعودی در تابستان ۱۹۹۵ در خانه‌ای بزرگ و زیبا در یکی از پایتخت‌های اروپایی انجام شد. کارگزار خانه از ما در فضای راهرو خانه استقبال کرد و آسانسور کوچکی ما را به طبقه دوم برد. این ساختمان

داده بود، نیز منتظر بود. با قهوه‌ای داغ و چای شیرین و نوشیدنی‌های سرد پذیرایی شدیم. مشروبات الکلی در چارچوب آن مکان جایی ندارند. طبق رسم آنجا، قبل از ورود میزبان از مهمانان پذیرایی می‌کنند.

اصل صحبت‌های ما در مورد تهیه گاز از عربستان برای اسرائیل بود.

طرح‌های اولیه را که با همکاری بزرگ‌ترین شرکت مهندسی آمریکایی «پارسونز» شرکتی با قدمت یک نسل فعالیت در عربستان، تدوین کرده بودیم، به میزبان‌مان دادیم. با این شرکت آمریکایی الگوهای بسیار خاص همکاری ایجاد کرده‌ایم که در اسرائیل آنها را به نمایش می‌گذاریم.

چهار طبقه داشت. یک اتاق پذیرایی بزرگ، میل‌های مخملی که مهمان را به غرق شدن در خود دعوت می‌کرد، یک میز کوتاه و بزرگ که روی آن مقدار زیادی از انواع دسر و شیرینی، بادام، کشمش و انجیر از نوع مرغوب آن قرار داشت. پنجره‌هایی بزرگ و کور با پرده‌هایی زیبا و دیوارهایی که با تصویرهایی از حیوانات و افراد خانواده‌اش مزین شده بود و در رأس آن‌ها پدر شجره پادشاه سعودی، عبدالعزیز ابن سعود قرار داشت. آهارون و من در اتاق پذیرایی نشستیم و منتظر شدیم. همراه ما دوستم عدنان خاشقچی که این ملاقات را با این مقام ارشد سعودی ترتیب

پاورقی

Research@kayhan.ir

سراغ فلسطینی‌های تیره‌بخت» و به همان روند تند خود ادامه داد و حرف‌های تندی علیه رابین زد، این که او یهودیان آمریکا را علیه عربستان سعودی تحریک می‌کند و باعث می‌شود که ارتباط ما با نهاد مالی آمریکایی که تحت کنترل یهودیان است سخت شود. به حرف‌های‌های تند او پاسخ دادیم و این اول دوستی شگفت‌انگیز، فوق‌العاده، محرمانه و محتاطانه‌ای بود که برای اولین‌بار این جا فاش شده و تا خود امروز ادامه پیدا کرده است. آن مرد با صدافتی شگفت‌انگیز درمورد فعالیت‌های تجاری‌اش ازجمله در زمینه توسعه منابع جدید انرژی در کشورش حرف زد، در زمانی که بالاترین منصب‌های رئیس دولت سعودی و سلسله مراتب کاخ را کنار گذاشت. ما هم از طرف خود ایده‌ها و طرح‌های همکاری اقتصادی درباره پایگاه منطقه‌ای را به او ارائه کردیم و این که طبیعتاً قرار است عربستان شریک اصلی و رهبر آن باشد. در مورد سرمایه‌گذاری و پروژه‌های مشترک با فلسطینی‌ها، اردن و حتی با سوریه و لبنان در زمان مناسب خود صحبت کردیم. اصل صحبت‌ها ما در مورد تهیه گاز از عربستان برای اسرائیل بود. طرح‌های اولیه را که با همکاری بزرگ‌ترین شرکت مهندسی آمریکایی «پارسونز» شرکتی با قدمت یک نسل فعالیت در عربستان، تدوین کرده بودیم، به میزبان‌مان دادیم. با این شرکت آمریکایی الگوهای بسیار خاص همکاری ایجاد کرده‌ایم که در اسرائیل آن‌ها را به نمایش می‌گذاریم.

آن مرد با عصبانیت گفت: «شما دوبانه شده‌اید. در مورد چه صحبت می‌کنید؟ این را بدانید اگر این صحبت‌ها در عربستان به گوش کسی برسد و به‌خصوص در مورد ملاقات من با شما، من را آتش می‌زنند» و با هیجان زیادی ادامه داد: «این را بدانید من شما را نمی‌شناسم، هرگز شما را ندیده‌ام و اگر این مطلب حتی کمترین حرفی از آن درز پیدا کند، این اولین و آخرین ملاقات من و شما خواهد بود.» پیش خود احساس می‌کردیم که او حاضر است که این روابط ادامه پیدا کند ولی فقط باید محرمانه بماند.

دوباره بحث را به سمت تهیه گاز از عربستان برای اسرائیل کشانیدیم. آن مقام ارشد سعودی توضیح داد برایش روشن است که اسرائیل تنها مشتری منطقه‌ای برای این محصول است، اما ما باید صبر کنیم زیرا مطرح کردن چنین موضوع حساسی به تحولات مثبت در روند صلح بین اسرائیل با فلسطینی‌ها و تا میزان زیادی هم به عادی‌سازی روابط با سوریه بستگی دارد. این روند همچنین به یک بلوغ داخلی در داخل دولت سعودی نیاز دارد که طبق آن ما می‌توانیم ادامه بدهیم. فضای این مکالمات به فضایی دلپذیر، دوستانه و گرم تبدیل شده بود. وقتی با آن مقام ارشد عربی صحبت می‌کردم حالت و رفتارم تغییر می‌کرد و مثال‌ها و داستان‌هایی چاشنی سخن خود می‌کردم. او بلند شد تا ما را همراهی کند و در مسیر، افراد خانواده خود را که در تصویرهای اتاق پذیرایی بودند به ما نشان داد.

ما یک عملیات به سبک تجار راهاندازی کردیم، که در آن تیم‌های تبلیغاتی با یکدیگر رقابت می‌کنند تا مشارکت و جمع‌آوری کمک‌های مالی برای کمپین را افزایش دهند. برای اجرای عملیات، از «گری کویی»^[۱] تأثیرگذار ترین کارشناس دیجیتال کميته ملی جمهوری‌خواه و یکی از معهود افرادی در تشکیلات جمهوری‌خواه که می‌خواست ترامپ پیروز شود، استفاده کردیم. هر روز، تیمی که

خاطرات «جرد کوشنر» داماد دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا– ۲۴

عضو جدید گروه رهبری کمپین انتخاباتی

دفتر پژوهش‌های مؤسسه کیهان



تقریباً در همان زمانی که ما از عملیات سایبری خود دفاع کردیم، ترامپ تصمیم گرفت اعضاء گروه رهبری کمپین خود را افزایش دهد. او می‌خواست پل Manafort را – یک مشاور باتجربه کمپین که در ماه مارس به کمپین ما برگشته بود – به‌عنوان یک عضو جدید در تیم رهبری کمپین معرفی کند. ترامپ از من خواست که این خبر را اعلام کنم. وقتی با لواندوفسکی ملاقات کردم، توضیح دادم که این موضوع شخصی نیست. کمپین در حال رشد بود؛ مخاطرات در حال افزایش بود.

بهترین بازگشت سرمایه را به دست می‌آورم، پل بیش‌تری برای خرید سهم بیش‌تری از تبلیغات در روز بعد دریافت می‌کرد. تیم‌ها همه چیز را آزمایش کردند، از جمله اینکه آیا دکمه «در این‌جا اهدا کنید» باید سبز یا قرمز باشد یا اینکه تبلیغات با عقاب، پرچم آمریکا یا تصویر ترامپ بهتر عمل می‌کند. این محیط

به پنج باقی می‌مانیم. به قرآن پناه بردیم و آن به نفع برادرمان شیخ صبحی درآمد. به این ترتیب شیخ صبحی طفیلی اولین دبیرکل حزب‌الله شد.

این هم شورای پنجم. بعد از گذشت تقریباً یک سال و نیم، انتخابات دوم در حزب‌الله انجام شد و شورا انتخاب شد ولی تا صبح، از تعداد لبنانی‌ها کم شد. در این شورا لبنانی‌ها عبارت بودند از: سیدعباس موسوی، شیخ صبحی طفیلی، شیخ نعیم قاسم، شیخ محمد یزیک، حاج حسین خلیل، حاج محمد باغسی و من. در این شورا سیدعباس موسوی به‌عنوان دبیرکل انتخاب شد و تا هنگام شهادتش دبیرکل بود.

درباره ارتباط «سیدمحمدحسین فضل‌الله» با حزب‌الله، در ابتدا برادران به سید فضل‌الله پیشنهاد کردند که بیاید و در شورا باشد و به اصطلاح «بزرگ قوم» باشد، اما او نپذیرفت. برای این‌که حضرت سید، اهل کار تشکیلاتی و جهادی و سازمانی نبود و نمی‌خواست در این کار وارد شود.

در شورا، یک‌جا خالی شد اما این‌جا بر نشد. یعنی شش عضو لبنانی ماندیم و اندکی قبل از اتمام مدت مسئولیت شورا، انتخابات پارلمان در لبنان انجام شد و حزب‌الله در آن شرکت کرد. به همین دلیل شیخ صبحی طفیلی از شورا کناره‌گیری کرد و تا اتمام مدت مسئولیت شورای پنجم، شورا را ترک کرد. چارچوب شورای ششم هم طبعاً من، شیخ نعیم قاسم، حاج حسین خلیل، شیخ محمد یزیک، حاج «عبدالله قصیر» و حاج محمد رعد بودیم. این شورا دوره ششم را شروع می‌کرد. طبعاً به‌طور معمول شورا را برای مدت دو سال انتخاب می‌کردیم. شورای هفتم هم برای مدت سه سال انتخاب شد و اعضای آن عبارت بودند از: من، شیخ نعیم قاسم، شیخ محمد یزیک، حاج عبدالله قصیر، حاج «حسن رعد»، حاج حسین خلیل، حاج محمد رعد، «سیدهاشم صفی‌الدین». اینها شوراهای هفت‌گانه در تاریخ حزب‌الله بودند.

اولین جلسات شورا در محل سفارت جمهوری اسلامی ایران در دمشق برگزار می‌شد که همواره دو عضو ایرانی در شورا حضور دارند. الان هم سفیر ایران در دمشق و فرمانده سپاه در منطقه، جزو اعضای طبیعی شورا هستند یعنی حق رای دارند. در شورا دو ایرانی

صفحه ۱۰
چهارشنبه ۲۹ مهر ۱۴۰۵
۱۰ جمادی‌الاول ۱۴۴۸ – شماره ۲۴۲۶۶

کوچک جمع‌آوری کرد– رقمی بی‌سابقه– و میلیون‌ها رأی‌دهنده را متقاعد کرد که از ترامپ در این روند حمایت کنند. «لندرو باسورث»^[۲]، مدیر اجرایی فیس‌بوک که بر تبلیغات این شرکت در طول انتخابات ۲۰۱۶ نظارت داشت، بعداً یادداشتی نوشت که در آن استدلال کرد که ترامپ نه به‌دلیل روسیه یا «اطلاعات نادرست» بلکه «زیرا او بهترین کمپین تبلیغات دیجیتالی» را که تا به حال از هر تبلیغ‌کننده‌ای دیده‌ام اجرا کرد، تمام.»

تقریباً در همان زمانی که ما از عملیات سایبری خود دفاع کردیم، ترامپ تصمیم گرفت اعضاء گروه رهبری کمپین خود را افزایش دهد. او می‌خواست «پل Manafort»^[۳] را– یک مشاور باتجربه کمپین که در ماه مارس به کمپین ما برگشته بود – به‌عنوان یک عضو جدید در تیم رهبری کمپین معرفی کند. ترامپ از من خواست که این خبر را اعلام کنم. وقتی با لواندوفسکی ملاقات کردم، توضیح دادم که این موضوع شخصی نیست. کمپین در حال رشد بود؛ مخاطرات در حال افزایش بود.

به او اطمینان دادم: «لین را نشانه موقتیت خود بدانید. ترامپ در انتخابات مقدماتی پیروز شد و شما کار بزرگی انجام دادید.» لواندوفسکی شروع به ناله کرد و رفت، اما خودش را برای ملاقات با Manafort و رهبری کمپین بازپایی کرد. اوایل بعدازظهر در حالی که گریه می‌کرد به من زنگ زد. او گفت: «من دیگر نمی‌توانم این کار را انجام دهم. من تمام زندگی‌ام را برای این کار گذاشته‌ام.»

من از لواندوفسکی پرسیدم چه چیزی او را خوشحال می‌کند و او پیشنهاد کرد Manafort می‌تواند به جای مدیر کمپین، رئیس سستاد انتخابات باشد. تلفن را قطع کردم، فکر می‌کردم به یک راه‌حل قابل بررسی رسیده‌ایم، اما لواندوفسکی آن شب دو بار دیگر با من تماس گرفت، گفته‌هایش به نظر غیرمنطقی و تهدید به ترک بود. با دلخوری، ترامپ را در جریان وضعیت قرار دادم. می‌ترسیدم که لواندوفسکی تحت فشار وا بدهد. ترامپ به من گفت: «فردا به آن رسیدگی خواهیم کرد.»

صبح روز بعد، ترامپ با لواندوفسکی تماس گرفت و گفت: «ببین، تو مدیر مبارزات انتخاباتی بسیار خوبی هستی، اما شانزده مدیر کمپین خیلی خوب دیگر هم هستند که اکنون در خانه نشسته‌اند، زیرا من را به‌عنوان کارفرمای خود نداشتند. جارد روانیزشک شما نیست. من روانیزشک شما نیستم شما یا کارتان را جمع‌وجور کنید یا به خانه بروید»

پی‌نوشت‌ها:

- ↑ Gary Coby. ۲ طرفدار آمریکا: امپریالیسم آمریکایی، اصطلاحی که برای توصیف نفوذ گسترده فرهنگی و سیاسی ایالات متحده در خارج از مرزهایش استفاده می‌شود.
- ↑ Andrew Bosworth
- ↑ Paul Manafort

یعنی برادران با این اعتبار که اغلب‌شان افراد درستی بودند، همگی به سید فضل‌الله احترام می‌گذاشتند.

اما روابط شخصی آنها با سید، متفاوت است. برخی از آنان نزدیک‌ترند و برخی دیگر دورتر. برخی برادران، روابط بسیار خوبی با سید فضل‌الله داشته‌اند و برخی رابطه‌شان زیاد قوی نیست، اما مشکلی با او ندارند. معمولاً با سید در برخی مسائل مشورت می‌کردند. مشکل خاصی نبوده است.

یعنی ما با سید فضل‌الله در مورد مسائلی اختلاف داشتیم که ارتباطی با حزب‌الله نداشت.

مثلاً در مورد موضوع تقلید، دائماً با سید فضل‌الله اختلاف بوده است. به عبارتی این برادران دعوت به تقلید شهید سید محمدباقر صدر می‌کردند، ولی او دعوت به تقلید سید خوبی می‌کرد. یا اینکه اینها دعوت به تقلید امام خمینی می‌کردند و او دعوت به تقلید سید خوبی.

بعد از فوت امام، این برادران دعوت به تقلید آیت‌الله «راکی» می‌کردند، و او دعوت به تقلید آیت‌الله «گلپایگانی» و الان به تقلید آیت‌الله «سیستانی».

الان مثلاً ما دعوت به تقلید سید قائد می‌کنیم و او حکم مرجعیتی صادر می‌کند که دعوت به خود می‌کند. به یاد دارم که دائماً در مورد مرجع تقلید و این‌گونه مسائل، اختلاف بوده است. در مورد برخی کارها مثلاً او موافق نیست. او از ابتدا مخالف عملیات شهادت‌طلبانه بود و نظرش این بود که این کار حرام است. البته بعداً نظرش را عوض کرد.

یعنی بعد از چند سال. اما برای ما مشکلی درست نمی‌کرد. سید فضل‌الله به‌طور کل با تمام حرکات حزب‌الله همنوایی و همکاری داشت و او نیز از جنبش حزب‌الله بهره می‌برد. یعنی او بسیار بهره برد و شخصیتش بزرگ شد و با مهم‌ترین عوامل که همان حزب‌الله است، در جهان معروف شد.

به‌خاطر ندارم ایشان مخالفت خود را با عملیات استشهادی در مطبوعات اعلام کند و یا به‌طور کتبی چیزی نوشته باشد، اما شفاهی در گفت‌وگو مطبوعاتی، و در سخنرانی بر روی منبر بوده است.

البته الان مانع عملیات استشهادی نمی‌شود، و تأکید هم دارد.

پانویست:

۱- لازم به ذکر است این اظهارات درباره ترکیب شورای حزب‌الله متعلق به سال ۱۳۷۷ ه‍.ش است. مطمئناً از زمان تاکنون شورای حزب‌الله دست‌خوش تغییر و تحولات بسیاری شده است.